

گزارش « بیست و سومین » دوره‌می قرآنی در مسجد سیدالشهداء صلوات الله علیه:

(از ساعت ۱۸,۳۰ تا ۱۹,۳۰ - شنبه: ۷ بهمن ماه ۱۴۰۲)

پرسی این جلسه: طبق آیات زیر، « دو کلید جهنم و دو کلید بهشت » کدامند؟

فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ (۳۷) وَ آثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (۳۸) فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۳۹)

وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَىٰ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ (۴۰) فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (نازعات/۴۱)

پس هر که طغیان کند * و زندگی دنیا را گزینش کند (و ترجیح دهد) * پس جایگاه او قطعاً آتش است *

و اما آنکه از مقام خدای خود به نحوی بترسد که خود را از هوس باز دارد * پس جایگاهش بهشت است.

نکته اول: « طغیان » یعنی: « ناترازی » و « تجاوز از حد متعارف در هر زمینه‌ای مادی و معنوی. »

« طغیان »: « ابراز خودخواهی و نافرمانی از رسول باطنی » (نافرمانی از رسول ظاهری = معصیت).

« طغیان » مثل: مهریه، عروسی، جشن تولد، مجالس ترحیم، خانه، سفر و ماشینهای نامتعارف و انواع اعتیاد.

نکته دوم: « ریشه طغیان »، « توهم بی‌نیازی » (به معبود) « است: كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ (علق/۷) »

نکته سوم: « توهم بی‌نیازی » (به معبود) « از: علم بدون معرفت، ثروت، قدرت، شهرت، شهوت و از

« سرگرم بازی بودن » است: فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۱) الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ (طور/۱۲) »

نکته چهارم: « طغیان درون » عامل « تکذیب حقایق بیرونی » است: كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (شمس/۱۱) »

نکته پنجم: « طغیان » عامل « فساد » است: الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ (۱۱) فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ (فجر/۱۲) »

نکته ششم: « طغیان » عامل « نفاق » است: وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ

قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤْنَ (۱۴) اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (بقره/۱۵) »

نکته هفتم: « طغیان » عامل « محرومیت از هدایت الهی » است: وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ

مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۲) مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَ يَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (أعراف/۱۸۶) »

نکته هشتم: افراد « طاغی » به تدریج « دنیاطلب » می‌شوند: فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ (۳۷) وَ آثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (۳۸) »

نکته نهم: « خوف از مقام ربّه » انسان را فوراً به « خویشستنداری و نهی النفس عن الهوی » می‌رساند.

نکته دهم: انسان « خائف از مقام ربّ »، « دو بهشت » دارد: وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ (الرحمن/۴۶) »

نکته یازدهم: « خائف » از « تاریخ »، « عبرت » می‌گیرد: إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ... (هود/۱۰۳) »

نکته دوازدهم: مردم « خائف از مقام ربّ » بر « کفار مستکبر » قطعاً « پیروز و وارث زمین » می‌شوند:

وَ لَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَ خَافَ وَعِيدِ (إبراهیم/۱۴) »

نکته سیزدهم: « خوف » باید عامل « بیشترین مراقبت » باشد: فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ... (قصص/۲۱) »

نکته چهاردهم: « خوف » باید « ثمره معرفت و خداباوری » و عامل « مراقبت شدید » از خود باشد:

إِلَهِي وَ الْحَقِّي بُنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونُ لَكَ عَارِفًا وَ عَنِ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا وَ مِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا (مناجات شعبانیه)

خدایا! مرا به نور مقام عزتت (که نشاطش از هر لذتی بالاتر است) ملحق کن تا تو را باور کنم و از غیر تو رو بگردانم و از تو ترسان و مراقب خودم باشم.